

جهاد در اسلام به مفهوم «مسئولیت حمایت»

توکل حبیب زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

چکیده

مسئولیت جامعه بین‌المللی در حمایت از حقوق اساسی بشر به یکی از موضوعات جدی حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. بر اساس این نظریه که قبلاً با عنوان «مداخله بشردوستانه» تعبیر می‌شد و امروزه به «مسئولیت حمایت» موسوم است؛ چنانچه حکومتی ملت خود را سرکوب و با نقض فاحش حقوق بنیادین آن، مرتکب جرایم سازمان یافته از جمله کشتار جمعی شود، جامعه بین‌المللی مسئولیت دارد به حمایت از آن ملت برخیزد.

این مفهوم به هیچ وجه با آموزه‌های اسلامی بیگانه نیست و دین مبین اسلام با تاکید بر کرامت انسانی و تدارک برنامه جمعی برای هدایت و سعادت دنیوی و اخروی انسان، موضوع حمایت از مظلوم را حتی بدون در نظر گرفتن ملاحظات اعتقادی سرلوحه برنامه خود قرار داده و حمایت خود از مستضعفان عالم را نه تنها در برابر ظلم و ستم بلکه تا مرز دفاع از فطرت و حیات معقول انسان گسترش داده است. بدین ترتیب، نظریه مسئولیت حمایت با برخی مصادیق «جهاد اسلامی» قابل مقایسه و تطبیق است. فلسفه جهاد در اسلام جنگ مسلحانه و توسعه سرزمینی یا استعماری نیست، بلکه هر نوع کوششی برای پیشبرد اهداف مقدس الهی و مبارزه برای گسترش مساوات اسلامی و زدودن شرک و بت پرستی و نیز حمایت از بقاء جامعه اسلامی یا بعضی از مسلمانان و یا دفاع از سیادت آنهاست.

واژگان کلیدی

مسئولیت حمایت، اسلام، جهاد دفاعی، جهاد دعوت، سیره معصومین، قرآن.

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

انسان از جایگاه والایی در بین مخلوقات جهان برخوردار است، به گونه‌ای که اگر کمالات بالقوه انسانی به فعلیت درآید، او شایسته جانشینی خداوند در زمین است و قرآن کریم آن را به صراحت چنین بیان می‌دارد: «انا جعلناه خلیفه فی الارض . . .». شأن و مقام انسان از فرشتگان و ملکوت آسمانی بالاتر است. خداوند تبارک و تعالی با فرستادن آخرین رسول و پیامبر خود به همراه کتاب و میزان، چراغ راه هدایت را پیش پای انسان نهاد و او را به قیام و حرکت، جهت برقراری عدل و قسط دعوت نمود. «انا ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس شدید». (سوره حدید، آیه ۲۵) البته به منظور هموار کردن راه حق و حقیقت و از بین بردن موانع و مقابله با ستمگران و ظالمان، دستور داده تا مسلمانان با آنان مقابله کنند. اگر موانعی در برابر دعوت انسان‌ها به این آئین الهی ایجاد شود و یا انسان‌های بی گناهی زیر ظلم و ستم حکومت‌های ستمگر قرار بگیرند، دین مبین اسلام در بین روش‌های دیگر، توسل به زور یا «جهاد فی سبیل الله» را تشریح و تجویز نموده است.

بدین ترتیب، مفهوم «مسئولیت حمایت» که تا قبل از آغاز هزاره سوم میلادی با عنوان «مداخله بشردوستانه» از آن تعبیر می‌شد،^۱ مفهوم بیگانه‌ای در آموزه‌های اسلامی نیست و بلکه با برخی مصادیق جهاد اسلامی قابل تطبیق و مقایسه است.

جهاد به کسر اول، در فقه به معنی «قتال برای حمایت از دین درست» است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ص ۲۰۲) کاشف الغطاء جهاد را به این صورت تعریف می‌کند: «مکافحه با دشمن و مقاومت با ظلم و فساد در روی زمین با نفوس و اموال و تضحیه و مفادات حق» (اشراق، ۱۳۶۰، ص ۱۴۱)

بنابراین هدف از جهاد چیزی نیست جر «طلب خشنودی پروردگار، برقرار ساختن عدالت اجتماعی، حمایت از کسانی که در معرض فریب و گمراهی قرار گرفته‌اند، برچیدن بساط شرک و بت پرستی از محیط جامعه انسانی و پیاده کردن دستورات خداوند». (فوادیان، ۱۳۶۴، ص ۴۷) نویسنده‌ای دیگر، فلسفه جهاد در اسلام را در مرحله اول مبارزه برای اعتلای انسانیت و نیل به جامعه توحیدی و در مرحله دوم مبارزه برای گسترش عدالت و مساوات اسلامی و زدودن شرک و بت پرستی از صفحه گیتی و

گسترش دارالاسلام می‌داند (اشراق، ۱۳۶۰، ص ۱۲۸) و بالاخره، از نظر یکی از نویسندگان اهل تسنن، «جهاد اسلامی جنگ مشروع و عادلانه‌ای است که هدف از آن تامین خیر و صلاح بشریت است، آغاز و پایان آن و وسایل جنگی (بکار گرفته شده) کاملاً مشخص و قانونمند است، هدف اصلی از آن حمایت از بقاء جامعه اسلامی، یا بعضی از مسلمانان و یا دفاع از سیادت آنهاست و به هیچ وجه منظور از آن پیروزی مادی یا توسعه سرزمینی یا استعماری نیست». (الزحیلی، بی تا، ص ۱۳۸)

جهاد در قرآن در ده مورد همراه با کلمه «فی سبیل الله» ذکر شده است و بنابراین منظور از جهاد آن مبارزه‌ای است که با هدف الهی و در راه اعتلای ارزش‌های اسلامی باشد. «فی سبیل الله» هدف اصلی از جنگ‌های اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد و معلوم می‌کند که «جنگ در منطق اسلام هرگز به خاطر انتقام جویی یا جاه طلبی یا کشورگشایی یا به دست آوردن غنائم و اشغال سرزمین‌های دیگران نیست، بلکه سلاح به دست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در راه خدا و برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق و ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد». (پورسیف، ۱۳۸۵، ص ۸۴)

جهاد در اسلام چند نوع است:

جهاد ابتدایی یا جهاد دعوت به منظور از بین بردن موانع دعوت اسلامی و تبلیغ آیین نجات بخش الهی؛

جهاد دفاعی برای مقابله با تهاجم و تجاوز دشمنان به مسلمانان و سرحدات دولت اسلامی؛

جهاد برای حمایت از مظلومان و مستضعفان در هر نقطه از جهان؛
جهاد علیه شرک و بت پرستی چون اسلام آن را خرافه و نوعی بیماری دانسته و آن را تحمل نمی‌کند.

در این نوشته، نوع اول و سوم از جهاد اسلامی مورد بحث است، اگرچه اشاره‌ای مختصر به جهاد دفاعی نیز خواهد شد.

۱. جهاد دفاعی در اسلام

یکی از موارد مشروع جهاد در اسلام، جهاد تدافعی است. به حکم فطرت، عقل و دین، دفاع در برابر تهاجمات دشمن واجب است. دفاع گاهی برای حفظ کیان و قلمرو سرزمینی دارالاسلام صورت می‌گیرد، گاهی برای بیرون راندن اشغالگران خارجی و گاهی برای حفظ جان و مال مسلمانان و زمانی برای از بین بردن سلطه سیاسی و اقتصادی آنان واجب می‌شود. وجوب عینی جهاد دفاعی مورد اتفاق فقهاست و از کسی ساقط شدنی نیست و تنها بلوغ و عقل در آن شرط است، مگر اینکه به قدر کفایت، مبارز وجود داشته باشد که در این صورت از بقیه ساقط است. حضرت امام خمینی^(ره) در رساله عملیه خود می‌فرماید: «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن، به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد، از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست». (خمینی، ۱۳۶۸، مساله ۲۸۲۶)

در قرآن کریم در خصوص دفاع از جان و مال و ناموس مسلمانانی که مورد تهاجم نظامی دشمنان قرار داشتند، فرمان جهاد صادر شده است. خداوند متعال در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعدوا...» و هم چنین در آیه ۳۹ سوره حج به مسلمانان رخصت داده شده تا با دشمنان خود بجنگند: «اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و إن الله علی نصرهم لبقدر الذین اخرجوا من دیارهم بغير حق إلا أن یقولوا ربنا الله...»

اصولا جهاد دفاعی «یکی از نشانه‌های موجود زنده است و یک قانون عمومی در عالم حیات است، تمام موجودات زنده اعم از انسان و حیوان و گیاه برای بقاء خود با عوامل نابودی خود در حال مبارزه‌اند و این از افتخارات اسلام است که هماهنگ با ناموس هستی می‌باشد». (پورسیف، ۱۳۸۵، ص ۸۶)

۲. جهاد برای رفع ظلم و نجات مستضعفان

در جهاد برای رفع ظلم هدف اصلی، مبارزه با ظلم و ستم در روی زمین است که لازمه برادری اسلامی و تضامن اجتماعی بین ابنای بشر تلقی می‌شود. قرآن کریم مردم را به تعاون و همبستگی اجتماعی تشویق و تحریض نموده و از همکاری در تعدی و تجاوز به حقوق دیگران بازداشته است. در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «و تعاونوا علی البر و

التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان». در دوره جاهلیت در سرزمین حجاز قانونی وجود داشت که به موجب آن باید دوست و برادر را حتی اگر ظالم بوده باشد، حمایت می کردند. قرآن کریم در این آیه بر این تفکر نادرست خط بطلان کشیده و در آیات دیگر، مسلمانان را به حمایت از مظلومان و مستضعفان در همه نقاط جهان تشویق می کند؛ حتی اگر آن‌ها مسلمان نباشند.

۲-۱. دفاع از مسلمانان مظلوم و مستضعف

یکی از اقسام جهاد دفاعی در اسلام، حمایت از مسلمانانی است که زیر سلطه حکومت‌های مستبد زندگی می کنند. برخی از جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) به منظور دفاع از مسلمانان مستضعفی بود که توسط قریش سرکوب می شدند و آن حضرت در صدد شکستن شوکت و هیمنه قریش و رهایی این مسلمانان بود. اسلام دینی است تعهد آفرین و منطق آن اقتضا می کند که مسلمانان در برابر جریان‌ها و اوضاع و احوال حاکم بر روابط جوامع بشری و وضعیت زندگی انسان‌های پیرامون خود بی تفاوت نباشند؛ بلکه در برابر آن‌ها احساس مسئولیت کنند و برای رفع مشکلات و رهایی مسلمانان از یوغ قدرت‌های استعمارگر گام‌های مؤثری بردارند و با مستضعفان و مظلومان احساس همدردی کنند. یکی از علماء اسلامی در این خصوص می نویسد:

«هرگاه در موردی از موارد و در نقطه‌ای از نقاط جهان خطری متوجه جان مسلمانان یا فرهنگ و یا اقتصاد آن‌ها گردید و یا حیثیات مسلمانان در جامعه‌ای از جوامع بشری مورد تهدید قرار گرفت، در آن صورت بر تمام مسلمانان دیگر است که خود را برای مقابله با آن خطر آماده سازند و در جهت رفع و نابودی آن به بسیج نیروهای خود بپردازند». (نوری، ۱۳۶۷، ص ۹۵)

۲-۱-۱. حمایت از مسلمانان مظلوم در آیات قرآنی

قرآن کریم در آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء به زبان استفهام و سؤال و با تحریک عواطف انسانی و غیرت و تعصب مسلمانان، آن‌ها را به نجات مسلمانان گرفتار در چنگال قریش مکه ترغیب و تشویق می کند و آنها را مورد خطاب قرار می دهد که چرا برای نجات آن مسلمانان بر نمی خیزند:

«وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الوالدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنك وليا و اجعل لنا من لدنك نصيرا»؛ «و چرا شما در راه خدا و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ آنهايي که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار بده و از نزد خویش یاوری برای ما تعیین فرما».

این آیه در مورد گروهی از مسلمانان که پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، نتوانستند از مکه خارج شوند و کفار از پیوستن آنها به سایر مسلمانان جلوگیری کرده و آنها را زیر شکنجه‌های طاقت فرسای خود قرار داده و به استضعاف کشیده بودند، نازل شده است. قرآن کریم نجات این افراد را که در شرایط بسیار سختی به سر می‌بردند، از اهداف و انگیزه جهاد و از مصادیق «جهاد فی سبیل الله» بر شمرده است. (طاهری خرم آبادی، ۱۳۶۸، ص ۶۹)

چند نکته در مورد این آیه قابل ذکر است:

اولاً اگرچه در اسلام معیار و ملاک جهاد، دفاع از حق است و نه دفاع از بستگان و نزدیکان، اما قرآن کریم برای ترغیب و تشویق بیشتر مسلمانان به قیام و جهاد، از حس فطری انسانی در دفاع از منسوبین و خویشاوندان استفاده می‌کند و حتی با نام بردن از زنان و کودکان عواطف انسانی آنها را تحریک می‌کند. شاید دلیل این امر آن باشد که برخی از مسلمانان ایمانشان به حدی کامل نیست که فرمان خداوند به تنهایی آنان را به حرکت و قیام وادار نماید. (فوادیان، ۱۳۶۴، صص ۸۸-۸۷)

ثانیاً یکی از راه‌های مبارزه با کفر و عدم اطاعت از آیین و رسوم نادرست، هجرت از دیار کفر است. اگر مسلمانانی در دیار کفر سکونت داشته اما به سبب سیاست‌های دولت حاکم نتوانند به شعائر دینی خود عمل کنند، واجب است آن دیار را ترک کنند. در صورتی که دولت حاکم از هجرت آنها جلوگیری و نسبت به آنان ظلم و ستم روا دارد، وظیفه سایر مسلمانان این است که به کمک فریاد خواهی برادران مسلمان خود بشتابند و هم کیشان خود را از دست کفار نجات دهند. خداوند متعال برای کسانی که به وظیفه

خود عمل کرده و از دیار کفر و شرک هجرت نمایند، وعده پاداش داده است. قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره مبارکه نحل می‌فرماید:

«الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنيا حسنه و لاجر الاخره اکبر لوکانوا یعلمون»؛ «وکسانی که پس از ستم دیدن، در راه خدا هجرت کرده‌اند در این دنیا به آنان حسنه می‌دهیم و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود».

در آیه ۱۱۰ همین سوره می‌فرماید:

«ثم إن ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا و صبروا إن ربك من بعدها لغفور رحیم»؛ «از سوی دیگر، پروردگارت در حق کسانی که پس از شکنجه شدن، هجرت کردند و سپس به جهاد پرداختند و صبر پیشه کردند، قطعاً پروردگارت پس از آن، آمرزنده مهربان است».

کسانی که از دیار کفر هجرت نکنند و قادر به انجام فرایض الهی خود نیز نباشند، مورد ملامت قرار گرفته‌اند. در آیه ۹۷ سوره نساء، خداوند تبارک و تعالی صراحتاً به کسانی که دم از اسلام می‌زنند اما با مشرکان همکاری کرده و با برادران مسلمان خود جنگیده‌اند و ادعا می‌کنند که تحت فشار و ظلم بوده و قادر به اجرای فرامین الهی بوده‌اند، می‌فرماید که آیا سرزمین خدا پهناور نبوده و نمی‌توانستید مهاجرت کنید و خود را از آن محیط آلوده نجات دهید.

منظور از پهناور بودن سرزمین خدا این است که «اگر در منطقه‌ای نتوانستید به وظایف دینی خود عمل کنید و مورد آزار دیگران قرار گرفتید، باید به منطقه‌ای که آزادی اقامه شعائر دینی و خداپرستی را داشته باشید، هجرت نمایید». (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰) البته در آیه ۹۸ و ۹۹ افراد ناتوان از این حکم مستثنی شده‌اند و وظیفه دولت اسلامی است که به حمایت از آنان برخیزد. یکی از نویسندگان در این باره چنین می‌نویسد که «اگر مقصود این است که در عین تحقق این جریانات (نقشه‌ها و جنایات علیه افراد بی‌گناه)، تا آن‌ها به ما حمله نظامی نکرده‌اند ما باید ساکت بنشینیم و فکری برای رهایی مسلمانان و مظلومان نکنیم و گامی برنداریم باز هم مسلماً این طور نیست و اسلام چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد». (نوری، ۱۳۶۸، ص ۹۴)

دفاع از مسلمانان تنها به دفاع از جان و مال آنها اختصاص ندارد بلکه دفاع از ناموس زنان مسلمان پناهنده نیز در این مقوله جای می‌گیرد. «هرگاه دولت‌های کفار، زنان مسلمان

را ولو اتباع آنها باشند یا به آنان پناهنده شده باشند، وادار به کشف حجاب و ... کنند، این عمل تجاوز به ناموس مسلمین محسوب شده، مجوز اعلان جنگ مسلمین علیه آن دول خواهد بود. لکن تصمیم‌گیری در خصوص نحوه دفاع و اعلان جنگ و ... با رهبر دولت اسلامی می‌باشد». (حسینی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۰)

۲-۱-۲. حمایت از مسلمانان مظلوم در احادیث و روایات

روایات و احادیث متعددی از معصومین^(ع) درباره لزوم حمایت از مظلومان به ویژه مسلمانان در بند حکومت‌های مستبد و ظالم وارد شده است که به چند حدیث از پیامبر گرامی اسلام^(ص) و امیرالمؤمنین حضرت علی^(ع) اکتفا می‌شود. مضمون همه این روایات این منطقی کاملاً روشن دین اسلام را نشان می‌دهند که اولاً اسلام هرگز جنگ و قتال را ابتدائاً تجویز نمی‌کند بلکه تمام اشکال و جبهه‌های جهاد اسلامی تدافعی است. ثانیاً در منطقی این دین الهی، مسلمانان نباید در برابر جریانات و اوضاع و احوال حاکم بر محیط اجتماعی و روابط جوامع بشری و وضعیت ملت‌ها بی تفاوت باشند.

از پیامبر اسلام^(ص) نقل شده که آن حضرت کسی را که فریاد و استغاثه مسلمانان را بشنود و به یاری آن‌ها نشتابد، مسلمان نمی‌دانست. حضرت در حدیثی می‌فرماید: «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم»؛ «کسی که فریاد انسانی را بشنود که مسلمانان را صدا زده و از آنها کمک می‌خواهد و چشم امید و کمک به سوی آن‌ها دارد، ولی جواب مثبت به او ندهد و اعتنا نکند، مسلمان نیست». (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۳). در حدیثی دیگر از حضرت نقل شده که می‌فرمودند: «من أصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم»؛ «کسی که صبح کند در حالی که به کارها و جریان‌هایی که با زندگی مسلمانان ارتباط دارد اهمیت ندهد، مسلمان نیست». (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۳) و بالاخره در حدیثی دیگر حضرت می‌فرماید: «هر کس نزد او مؤمنی خوار شود ولی او را یاری نکند، در حالی که قادر بر نصرت او باشد، خداوند عزوجل روز قیامت نزد تمام خلایق او را خوار خواهد نمود». (مسند احمد بن حنبل، ۴۸۷/۳، به نقل از حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷)

مؤلف کتاب فتح الباری در شرح حدیث نبوی در دفاع از مظلوم می‌نویسد: «کسی که قدرت بر نجات مظلوم دارد، بر او لازم است که به هر طریق ممکن ظلم را از او دفع

کند و قصد او در دفاع، کشتن ظالم نیست بلکه مقصود، دفع ظالم است و در این صورت که دفاع می‌کند، خون ظالم هدر است و فرقی نمی‌کند که دفاع از خویش باشد یا از دیگری». (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹)

حضرت علی^{علیه السلام} نیز در نهج البلاغه درباره حمایت از مظلومان می‌فرماید: «همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید». (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

۲-۲. حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان

ضرورت تعاون و همبستگی در مبارزه با ظلم و فساد در زمین، لازمه برادری انسانی و همبستگی اجتماعی بین ابنای بشر است. در بسیاری از آیات و روایات به حمایت و دفع ظلم از مظلومان و مستضعفان بدون تصریح به دین و ایمان آن‌ها تاکید شده است.

۲-۲-۱. حمایت از مظلومان در آیات و روایات و عقاید علمای اسلامی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمیعا و من أحیاهما فکأنما أحیا الناس جمیعا». (سوره مائده، آیه ۲۲)

حضرت علی^ع در لزوم دفاع و حمایت از مظلومان خطاب به مالک اشتر می‌فرماید که «ای مالک اشتر! همواره با اتباع اعم از مسلمان و غیر مسلمان خوش رفتار و نیکوکار باش، چه آنکه اگر آنان مسلمان باشند، برادر دینی تو هستند و الا مانند تو انسان هستند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) احترام به کرامت انسانی در اسلام به حدی است که قتل و کشتن یک نفر تعرض به همه انسان‌ها محسوب می‌گردد. نه تنها لازم است مسلمانان برای دفع ظلم تعاون و همکاری داشته باشند، بلکه باید برای رفع هر عمل غیرمشروع کمک کنند. از پیامبر اسلام^ص نقل شده است که فرمود: «من رأی منکم منکرا فلیغیره بیده، فان لم یستطع فبلسانه، فان لم یستطع فبقلمه و ذلک أضعف الایمان». (صحیح مسلم، بی تا، ص ۱۹۶)

این مبارزه و جهاد به گونه‌ای نیست که فقط برای دفاع از عدالت و جلوگیری از ظلم ضروری باشد، بلکه هر زمانی که برای مساعدت و یاری دولت یا ملت مظلومی لازم باشد، مباح است حتی اگر آن دولت یا ملت غیرمسلمان باشند. اما اگر معاهده‌ای برای کمک و حمایت آنها در بین باشد، حمایت از آنها واجب خواهد بود. (محمصانی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۶) شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «هرگاه گروهی با ما نخواهد بجنگد ولی

مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان‌ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند نجات بدهیم، اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم. ما در جایی که هستیم، کسی به ما تجاوزی نکرده، ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، اگر مسلمان باشند، مثل جریان فلسطینی‌ها که اسرائیلی‌ها آنها را از خانه‌هایشان آواره کرده‌اند، اموال شان را برده‌اند، انواع ظلم‌ها را نسبت به آنها مرتکب شده، ولی فعلاً به ما کاری ندارند، آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم‌های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آنها. بله، این هم جایز است، بلکه واجب است، این هم یک امر ابتدایی نیست. این هم به کمک مظلوم شتافتن است، برای نجات دادن از دست ظلم، به خصوص که آن مظلوم مسلمان باشد». (مطهری، ۱۳۶۸، صص ۲۹-۳۰)

۲-۲-۲. حمایت از مستضعفان و مظلومان در سنت عملی پیامبر اسلام (ص)

پیامبر گرامی اسلام (ص) چه پیش از بعثت و چه بعد از آن، همواره مروج روحیه فتوت و جوانمردی بوده و به حمایت از مظلومان برخاسته است.

الف. پیمان حلف الفضول

در دوره پیش از بعثت، گاهی بعضی از تجار غیرمکی که برای تجارت به مکه می‌آمدند، مورد تعرض قرار می‌گرفتند. گروهی از جوانان قریش با انعقاد پیمانی که بعداً به پیمان «حلف الفضول» موسوم شد، سوگند یاد کرده بودند که علیه ظالم «ید واحده» بوده و حق مظلوم و ستم دیدگان را بستانند. پیامبر اسلام (ص) عضو این گروه از جوانان بود و هنگامی که در دوره نبوت از حضرت درباره آن پیمان سؤال می‌کنند، حضرت ضمن تأکید بر اینکه اگر دوباره به همچون پیمانی دعوت شوند آن را می‌پذیرند، می‌فرماید: «إن الاسلام لا یزیده إلا شده» بدین معنا که اسلام نه تنها با چنین پیمان‌هایی مخالف نیست بلکه بر اهمیت و ارزش آنها می‌افزاید. (الزحیلی، بی تا، ص ۹۳)

ب. پیمان اتحاد و دوستی با قبیله خزاعه

یکی دیگر از سیره عملی پیامبر اسلام (ص) در دفاع از انسان‌های مظلوم و مستضعف، حمایت نظامی ایشان از قبیله خزاعه است. پیامبر اسلام (ص) در ضمن معاهده حدیبیه، با قبیله خزاعه پیمان اتحاد نظامی بسته بود. طبق پیمان صلح حدیبیه اهالی مکه و مسلمین مجاز بودند با هر کس و هر قبیله‌ای متحد شوند و اگر با قبیله‌ای در حال جنگ باشند، طرف دیگر می‌بایست بی طرفی اتخاذ می‌کرد. در بند ۷ بیان حدیبیه مقرر شده بود که «هر کس می‌خواهد به محمد پیوندد و به پیمان او در آید، چنان کند و هر کس می‌خواهد به قریش پیوندد و با ایشان هم پیمان گردد، چنان کند». (حمید الله، ۱۳۷۴، ص ۱۲۸) به دنبال این پیمان، افراد قبیله خزاعه با مسلمانان هم پیمان و متحد شده بودند و تحت حمایت مسلمانان زندگی می‌کردند. از سوی دیگر، قبیله خزاعه و قبیله بنوبکر -هم پیمان قریش مکه- کینه و دشمنی دیرینه‌ای داشتند. هنگامی که قبیله خزاعه از طرف قبیله بنوبکر مورد حمله قرار گرفت، قریش مکه با نقض مقررات پیمان حدیبیه که پیمان متارکه جنگ محسوب می‌شد، به قبیله بنوبکر کمک کردند و حتی ظاهراً اهالی مکه خود نیز به قبیله خزاعه حمله کرده بودند. قبیله خزاعه می‌توانست از مسلمین تقاضای کمک کند اما قبل از یاری مسلمانان همه به قتل رسیده بودند. این امر از سوی پیامبر اسلام به عنوان نقض پیمان حدیبیه توسط قریش محسوب گردید و بدین ترتیب با توجه به نقض پیمان حدیبیه از سوی قریش و اذیت و آزاری که اهالی مکه نسبت به مسلمانان روا داشته بودند، پیامبر با سپاه اسلام به سوی مکه به راه افتاد و به دنبال تسلیم شدن ابوسفیان، مکه بدون خونریزی به اشغال مسلمین درآمد.

۳. جهاد دعوت یا دفاع از حقوق انسانیت

یکی دیگر از انواع جهادهای مشروع در اسلام، جهاد دعوت است که هدف از آن فراهم کردن زمینه مناسب برای تبلیغ احکام الهی و رساندن پیام آسمانی پروردگار به همه انسان‌هاست.

۱-۳. جهاد دعوت در قرآن و عقاید علمای اسلامی

اصولاً دین، یک امر فطری است یعنی در وجود هر انسانی گرایش به توحید و شناخت خداوند آفریدگار جهان وجود دارد و کافی است که این استعداد بالقوه انسانی در پرتو تعالیم الهی و تربیت پیامبران به فعلیت برسد. یکی از فقهای اهل سنت، می‌نویسد: «دین، فطری بشر و امری حیاتی مانند ضرورت نور و روشنایی برای چشمان، روح برای جسد و هوا برای ریه. این بهترین ارتباط بین خالق و مخلوق را ترسیم می‌کند و مطمئن‌ترین رابطه بین زمین و آسمان را تنظیم می‌کند. شریف‌ترین موجود روی زمین انسان است، شریف‌ترین موجود در انسان قلب اوست و شریف‌ترین چیزی که در قلب اوست، ایمان به خدا، خالق هستی و بخشنده حیات است». (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲)

قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «فاقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله...» (سوره روم، آیه ۳۰)؛ یعنی انسان به طور فطری دنبال آیینی است که او را به سعادت برساند و از سوی دیگر آیین اسلام راه و روش کاملی است که انسان را می‌تواند به سعادت واقعی او رهنمون گردد. (پورسیف، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴۸) بنابراین منطق حاکم در آیین اسلام این است که اگر موانعی در برابر دعوت انسان‌ها به راه حق و کمال وجود نداشته باشد، چون انسان فطرتاً حقیقت‌جو و کمال‌طلب است، همه انسان‌ها پیام الهی را با گوش جان شنیده و به جان دل می‌خرند. اما اگر در برابر دعوت الهی موانعی بوجود آید، مبارزه برای از بین بردن آن‌ها واجب خواهد بود تا مردم از ذلت و بردگی غیرخدا نجات یابند.

خداوند متعال برای سعادت و تکامل و آزادی و آسایش انسان برنامه جامعی را تدارک دیده و پیامبران خود را موظف به ابلاغ این برنامه‌ها کرده است، در جنگ بین اعراب مسلمان با ایرانیان، رستم فرخزاد از یک عرب مسلمان پرسید که هدف شما از جنگ چیست؟ او چنین پاسخ داد: «لنخرج العباد من عبادة العباد الی عبادة الله». (فوادیان، ۱۳۶۴، ص ۹۱)

شهید مطهری در این خصوص معتقد است که در کنار حقوق فردی و جمعی، ارزش‌هایی وجود دارد که به انسانیت تعلق دارند و دفاع از آن پیش وجدان بشری بر دفاع از حقوق شخصی اولویت دارد. ایشان آزادی تبلیغ و توحید را بخشی از حقوق

عمومی انسان‌ها دانسته و مبارزه برای دفاع از آن را مشروع می‌دانند: «ما باید آزادی تبلیغ عقیده و فکر خاصی را در میان هر ملتی داشته باشیم. زیرا ما آزادی را یک حق عمومی و انسانی می‌دانیم، توحید را یک حق عمومی انسانی می‌دانیم. لذا اگر مانعی برای دعوت ما باشد، جنگیدن تا حدی که این موانع از بین بروند جایز است. این نوع جهاد نیز جنبه دفاعی دارد». (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۹) ایشان در جای دیگر می‌نویسند که بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام با همین عنوان بود تا مردم را از دست حکومت‌ها نجات دهند و اضافه می‌کنند که اگر آن ملت «مظلوم غیرمسلمان باشد و دولت ظالمی مانع از نشر دعوت اسلام گردد، اسلام به خود حق می‌دهد دعوتش را در جهان منتشر کند. پس با آن رژیم که مانع نشر دعوت اسلام در میان آن مردم است، جنگیدن جایز است و این یک نوع قیام در برابر ظلم است». (مطهری، ۱۳۶۸، صص ۳۱ و ۳۰)

این قیام و مبارزه برای برداشتن موانع موجود در راه تکامل و سیر انسان به سوی کمال، به صورت‌های مختلف انجام می‌شود و صرفاً مبارزه نظامی مدنظر نیست. مسلماً این امر باید با ارشاد و تبلیغ یعنی با جهاد زبان و قلم آغاز شود. در حدیثی از حضرت علی^(ع) آمده است که فرمود: «رسول خدا مرا به سوی یمن فرستاد و فرمود که ای علی با کسی جنگ نکن تا آن که او را به اسلام دعوت کنی، به خدا قسم هر آینه اگر خداوند به دست تو مردی را هدایت نماید بهتر است برای تو از آنچه که آفتاب بر آن طلوع و غروب کرده است». (عاملی، ۱۴۰۹.ه.ق، باب جهاد، باب ۱۰ روایت ۱)

اصولاً ایمان یک امر قلبی و گرایش دل است و با زور و جبر نمی‌توان کسی را مسلمان و مؤمن کرد. بنابراین، هدف از جهاد دعوت، از بین بردن موانع دعوت و فتنه-هاست. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ما در بحث توحید نمی‌جنگیم که توحید را به آنها تحمیل کنیم چون توحید و ایمان تحمیل بردار نیستند. با مشرکین می‌توانیم بجنگیم به خاطر اینکه ریشه فساد را اساساً بکنیم. ریشه کن کردن عقیده شرک با زور یک مطلب است و تحمیل عقیده توحیدی مطلب دیگر». (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۵۱)

اسلام صرفاً برای نجات انسان از بندگی غیرخدا، اعتلای اصالت‌های انسانی و نابودی ظلم و کفر و فساد دستور مبارزه صادر کرده است. (نوری، ۱۳۶۷، ص ۳۰۹) بنابراین جهاد دعوت محدود به دو امر است: «۱. رفع معارضه و ممانعت از دعوت و یا اذیت و آزار دعوت‌گران؛ ۲. دفع فتنه، ایجاد محیط سالم و آزاد». (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۳)

آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید در این باره بسیار راهگشاست، زیرا هم شیوه و مبانی دعوت و نشر آیین اسلام را تبیین می‌کند و هم به قدرتی که از آن مبانی و دعوت حمایت می‌کند اشاره دارد: «ما انبیا و فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان تشخیص حق از باطل را فرو فرستادیم، تا مردم به قسط و عدل قیام کنند و نیز آهن (وسیله قهریه) را فرستادیم که در آن هم عذابی شدید است و هم منفعی است برای مردم؛ تا آنکه خداوند بداند چه کسی او و پیامبرانش را یاری می‌کند. خداوند متعال قدرتمند شکست‌ناپذیر است».

در قرآن کریم همچنین به بهترین شیوه، حکم جهاد در برابر شرک و ظلم و فساد تشریح شده است. در آیه ۴۰ سوره مبارکه حج می‌فرماید: «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». مضمون این آیه مبارکه آن است که اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، مکان‌های دینی ویران گشته و عبادات و مناسک الهی و خلاصه دین خدا از میان می‌رود. در آیه صراحتاً به جهاد امر نشده است بلکه به حق فطری مردم در دفاع از منافع خود تصریح شده است؛ زیرا جهاد آخرین وسیله دفاع است که البته خداوند در آیه از آن به «دفع الله» یاد می‌کند و هر کسی که خداوند را در دفاع از دین کمک کند، خداوند به یاری او می‌آید و این تشویقی است برای مؤمنین. (پور سیف، ۱۳۸۵، ص ۸۷۰)

۲-۳. جهاد دعوت در سیره عملی پیامبر اسلام

پیامبر گرامی اسلام (ص) بعد از تشکیل حکومت مقتدری در مدینه، با اعزام گروه‌های تبلیغی غیرمسلمانان را به سوی اسلام دعوت می‌کرد و اگر موانعی در راه دعوت آنها به وجود می‌آمد، معمولاً با اعزام نیروهای نظامی زمینه را برای آزادی تبلیغ دین فراهم می‌ساخت تا مبلغین بتوانند به وظایف تبلیغی خود عمل کنند. یکی از جنگ‌های صدر اسلام که برای دفاع از آزادی تبلیغ اسلام و دفاع از مبلغین اعزامی رخ داد، جنگ موته است که علت آن کشته شدن مبلغین مسلمان بوده است. در ماه ربیع سال هشتم هجری، پیامبر اسلام عده‌ای از مبلغین را به سرزمینی واقع در «وادی القری» روانه کرد تا اهالی مشرک آنجا را به دین اسلام و آیین توحید و یکتاپرستی دعوت کنند. اما این افراد ناگهان

هدف حمله قرار گرفتند و جز یک نفر همگی به شهادت رسیدند که به فاجعه «بئر معونه» معروف است. پیامبر اسلام^(ص) پس از آگاهی از ماجرا، سپاهی را برای سرکوبی آنها اعزام کرد.

یکی از علماء اهل سنت در این باره چنین اظهار عقیده می‌کند که: «امروزه مداخله به منظور سلامت اجتماع، احقاق حق و از بین بردن باطل مشروعیت دارد همچنان که دفاع از انسانیت در صورت اذیت و آزار اقلیت‌ها از سوی دولت محل اقامت آنها مشروعیت دارد». (الزحیلی، بی تا، ص ۹۴) ایشان جهاد را وسیله‌ای در دست ولی امر برای حمایت از نشر دعوت اسلامی یا دفاع از مسلمانان تعبیر می‌کند. (الزحیلی، بی تا، ص ۱۲۵)

۴. شرایط و چگونگی اقدام به جهاد در اسلام

با توجه به آیات قرآنی و سنت عملی رسول الله^(ص) شرایط متعددی را می‌توان برای مبادرت به جهاد مطرح کرد:

۴-۱. با استنباط از آیه ۷۲ سوره مبارکه انفال، مستضعفان باید از دولت اسلامی تقاضای کمک کنند: «و ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثاق». این بخش از آیه در مورد مسلمانانی است که به مدینه مهاجرت نکرده بودند. اصولاً اگر مسلمانان نتوانند در سرزمینی که اقامت دارند، به خاطر سیاست‌های حاکم در آنجا به وظایف و شعائر دینی خود عمل کنند، وظیفه دارند از آن دیار هجرت کنند. اما در هر حال اگر به خاطر حفظ دین خود یاری بطلبند، در این صورت لازم است مسلمانان دیگر به یاری آنها بشتابند. (پورسیف، ۱۳۸۵، ص ۴۸۴)

۴-۲. مبارزه و جهاد با یک دولت غیراسلامی که مسلمانان و مستضعفان را تحت اذیت و آزار قرار می‌دهد، زمانی مشروع است که پیمان صلح و ترک مناصمه‌ای با آن دولت منعقد نشده باشد. اگر گروهی از افراد، مسلمان یا غیرمسلمان، در یک کشور خارجی که با آن عهدنامه عدم تعرض و همکاری نظامی بسته شده است، مورد اذیت و آزار قرار بگیرند، رعایت آن پیمان و وفای به عهد از لزوم کمک به آن مسلمانان یا مستضعفان برتر و اولی است. (الزحیلی، بی تا، ص ۱۴۱) این شرط از سنت پیامبر در انعقاد پیمان صلح حدیبیه نیز به وضوح استنباط می‌شود. در این پیمان پیامبر اسلام^(ص) بنا به مصالح موجود

پذیرفت که از یاری به مسلمانانی که از مکه به مدینه فرار می‌کردند خودداری نموده و آنان را به قریش مکه بازگردانند.

۳-۴. شرط دیگر، توانایی و قدرت بر اقدام نظامی در دفاع از جان و مال مسلمانان و مستضعفین است که بدون آمادگی لازم، اقدامی صورت نخواهد گرفت.

۴-۴. جهاد در اسلام در عصر حاضر با محدودیت‌هایی مواجه است، از جمله این محدودیت‌ها، شناسایی اصول حاکم بر روابط بین‌المللی مانند اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و اصل اعتزال و بی‌طرفی از سوی کشورهای اسلامی است. این اصول مادامی که مخل به قواعد اولیه‌ای همچون لزوم دعوت به دین و برقراری عدالت و رفع ظلم و فساد نباشند، از دیدگاه اسلام مورد تاییدند و در آیات متعدد قرآن از جمله آیه ۹۰ سوره نساء و نیز در سنت عملی پیامبر (ص) مورد تاکید قرار گرفته است. قاعده لزوم وفای به عهد به حدی در دین اسلام اهمیت دارد که احترام به آن از کمک به مظلومان و مستضعفان و حتی اصل تبلیغ دین برتر است. به نظر می‌رسد پیامبر اکرم (ص) نیز پیمان صلح حدیبیه را نه از سر سازش و لحاظ نمودن منافع مادی و اقتصادی، بلکه نظر به مصلحت‌های دیگر منعقد نمودند. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳)

۵-۴. جهاد دعوت را برخی از اندیشمندان اسلامی از جمله علامه شهید مطهری اصولاً جهاد ابتدایی محسوب نمی‌کنند، بلکه آن را نوعی دفاع از حقوق انسانیت، حقوق و ارزش‌های متعلق به همه بشریت می‌دانند. در این صورت جهاد دعوت نیز تابع شرایط جهاد دفاعی خواهد بود. اما برخی دیگر از فقها و اندیشمندان اسلامی، جهاد دعوت را جهاد ابتدایی محسوب و آن را منوط به تحقق شرایط خاصی می‌دانند که بر افراد خاصی نیز واجب می‌شود. از جمله مهمترین شرط جهاد ابتدایی را که به بحث ما مربوط است، رهبری می‌دانند. از دیدگاه فقها و اندیشمندان اهل سنت، مبارزه و جهاد به فرماندهی هر رهبری ولو ستمگر و فاسق جایز است. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷)

اما فقهای شیعه شرط عدالت و حتی عصمت را از جمله شرایط رهبری در جهاد ابتدایی می‌دانند، البته در مورد شرط عصمت و حضور امام معصوم (ع) اختلاف نظر وجود دارد. اگر برخی جهاد ابتدایی را در عصر غیبت جایز نمی‌دانند (مانند صاحب مسالک الافهام)، برخی دیگر اقدام به جهاد دعوت را در عصر غیبت و به رهبری نایب عام امام

عصر (عج) یعنی ولی فقیه جایز می‌دانند (مانند آیت الله خویی و آیت الله خامنه‌ای). (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷) دلیل اصلی این فقها آن است که در روایات در بیان شرایط جهاد، لفظ عام «امام» و یا «امام عادل» وارد شده و به «امام معصوم» تصریح نشده است.

جمع بندی

۱. اصل حمایت از حقوق بشر و مقابله با نقض فاحش و گسترده اصول و قواعد بنیادین حقوق بشر مانند کرامت انسانی و حق حیات هم در اسلام و هم در حقوق بین‌الملل معاصر کاملاً امر پذیرفته شده‌ای است. در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره مصوب ۱۹۹۰ در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی آمده است: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین است»

۲. اگر اعلام اصول و قواعد حقوق بشر و جریان حمایت از آن در حقوق بین‌الملل سابقه نه چندان طولانی دارد و حداکثر پیشینه آن را می‌توان در قرن هیجدهم یعنی در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) جستجو کرد، حمایت از حقوق انسان‌ها به ویژه حقوق اقلیت‌ها سابقه‌ای دیرینه در حقوق اسلامی دارد و به دوران آغازین حکومت اسلامی پیامبر (ص) در مدینه برمی‌گردد. حتی برخی از نویسندگان مسلمان مانند مرحوم علامه طباطبایی، اعلامیه حقوق بشر کوروش را یک اعلامیه متأثر از تعالیم الهی می‌داند زیرا ایشان معتقدند که کوروش همان ذوالقرنین و از مردان الهی بوده است.

۳. علی‌رغم اشتراک نظر دو نظام حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی اسلام در اصل حمایت از حقوق بشر، در مورد شیوه و مرجع صالح برای حمایت از حقوق بنیادین بشر تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. تفاوت‌های دو نظام حقوقی درباره مبنا و منشا حقوق بشر، به طور طبیعی اختلاف نظرهایی را در موضوع مسئولیت حمایت نیز موجب شده است. در نظام اسلامی حمایت و یاری از ستم دیدگان و مظلومین نه تنها حق دولت اسلامی بلکه یک تکلیف شرعی بر عهده دولت و آحاد مسلمین است و ولی امر مسلمین که حداقل از شرط تقوا و عدالت برخوردار است، این مهم را بر عهده دارد و با توجه به صفات و ویژگی‌های شخصی که چنین مقامی، حداقل در تفکر شیعی، باید از آن برخوردار باشد، امکان سوء استفاده و دخالت با انگیزه‌های غیرانسانی در امور داخلی سایر جوامع وجود ندارد. در اسلام حمایت از مستضعفان که با دو عنوان «جهاد دعوت» و «جهاد برای رفع

ظلم و ستم از مستضعفان (جهاد آزادی بخش)» مورد بحث قرار می‌گیرد، در جهت تحقق عدالت و ظلم ستیزی قابل انجام است و هر گونه اقدام نظامی و غیرنظامی زمانی مشروعیت دارد که «فی سبیل الله» باشد.

اما در نظام فعلی جامعه بین‌المللی، متشکل از دولت‌های دارای حاکمیت، بیشتر موارد مداخله بشردوستانه یا اعمال مسئولیت حمایت با اغراض سیاسی و برای تامین منافع ملی صورت می‌گیرد. بنابراین، به دلیل امکان سوءاستفاده از نظریه مسئولیت حمایت، اقدام یک جانبه دولت‌ها قابل قبول به نظر نمی‌رسد، بلکه باید با استفاده از امکانات سازمان ملل متحد به ویژه شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور، پس از اینکه این شورا وجود تهدید علیه صلح را احراز کرد، اقدام جمعی نمود. البته در گزارشات متعددی که سازمان ملل متحد در این زمینه تهیه و منتشر کرده است، مجموعه-ای از «اصول راهنمای» ناظر بر مسئولیت حمایت به شورای امنیت توصیه شده است تا در تصمیمات خود برای مقابله با نقض فاحش، شدید و گسترده حقوق بشر از آنها الهام بگیرد. با این وجود، به نظر می‌رسد که شورای امنیت هیچ تمایلی به توصیه پذیری نداشته و همچنان به تشخیص خود با وضعیت‌های پیش آمده برخورد می‌کند که با توجه به سیاست‌ها و منافع ملی اعضای دایم آن، برخوردهای گزینشی با موارد مشابه دور از انتظار نیست همچنان که عملکرد شورا در گذشته دلیل این مدعاست.

۴. با وجود این، در شرایط کنونی حاکم بر روابط بین‌المللی، راهکار اساسی در تبعیت از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است. البته مشروعیت و قانونی بودن یک اقدام انسان دوستانه در حمایت از ملت‌های مظلوم را نباید در مقابل هم قرار داد؛ این دو باید یکدیگر را تقویت نمایند. به عبارت دیگر، از یک سو، قوانین و مقررات تاریخ گذشته حقوق بین‌الملل ناظر بر حفظ نظم و استغالیایی حاکمیت محور و بیگانه با اهداف و ارزش‌های مترقی جامعه بین‌المللی از جمله حمایت از حقوق بنیادین بشر تامین کننده نیازهای امروزی بشریت نیست، و از سوی دیگر، مشروعیت ماجراجویانه‌ای که قواعد و آیین‌های حقوقی و ساختار نظم بین‌المللی کنونی را به هم بریزد، بر مشکلات فراروی بشریت خواهد افزود و بر حاکمیت نظام سلطه قدرت‌های بزرگ خواهد انجامید.

یادداشت‌ها

۱- برای مطالعه در باره مداخله بشردوستانه و نیز مسئولیت حمایت، نک. به: (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، صص ۱-۱۳)

Cassese Antonio, "A Follow-Up: Forcible Humanitarian Countermeasures and Opinio Necessitatis", EJIL (1999), Vol. 10 No 4, pp. 791-799; Decaux Emmanuel, « Légalité et légitimité du recours à la force : de la guerre juste à la responsabilité de protéger », Droits fondamentaux, n° 5, janvier-décembre 2005, 1-18, online at : http://www.operationspaix.net/IMG/pdf/DroitsFondamentaux_DECAUX_guerre_juste_R2P_jan2005_.pdf ; Galia Glume, « Responsabilité de protéger », <http://www.operationspaix.net/-Responsabilite-de-proteger->; Rapport de la Commission Internationale de l'Intervention et de la Souveraineté des Etats, "La Responsabilité de Protéger", décembre 2001, online at: http://www.operationspaix.net/IMG/pdf/responsabilite_proteger.pdf.

فهرست منابع

الزحیلی، وهبه (بی تا)، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، بیروت: دارالفکر.
اشراق، محمد کریم (۱۳۶۰)، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
پور سیف، عباس (۱۳۸۵)، خلاصه تفاسیر قرآن مجید: المیزان و نمونه، تهران: نشر شاهد.
حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۲)، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
حمید الله، محمد (۱۳۷۴)، نامه ها و پیمان های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، ترجمه سید محمد حسینی، تهران: سروش.
طاهری خرم آبادی، محمد (۱۳۶۸)، جهاد در قرآن، تهران: انتشارات پیام آزادی
ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۰)، «نگرشی نو به مفهوم مداخله بشردوستانه»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال سوم، شماره ۵

گیوم، ژیلبر (۱۳۸۰)، «دخالت انسان دوستانه و حقوق بین الملل»، ترجمه دکتر همایون حبیبی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال سوم، شماره ۴
فوادیان، شیخ رمضان (۱۳۶۴)، سیری در جهاد، تهران: انتشاران فرهنگ انقلاب اسلامی، ج ۱
مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، جهاد، قم: انتشارات صدرا
ممتاز، جمشید (۱۳۷۹)، «مداخله بشردوستانه ی ناتو در کوزوو و اصل عدم توسل به زور»، ترجمه مرتضی مختاری امین، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۴.
نوری همدانی، حسین (۱۳۶۷)، جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل الشیعه، قم: آل البيت
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ ه.ق)، الکافی، بیروت: دارالتعارف

1. Cassese Antonio, "A Follow-Up: Forcible Humanitarian Countermeasures and Opinio Necessitatis", EJIL (1999), Vol. 10 No 4, pp. 791-799.
2. Decaux Emmanuel, « Légalité et légitimité du recours à la force : de la guerre juste à la responsabilité de protéger », Droits fondamentaux, n° 5, janvier-décembre 2005, 1-18, online at : http://www.operationspaix.net/IMG/pdf/DroitsFondamentaux_DECAUX_guerre_juste_R2P_jan2005_.pdf
3. Galia Glume, « Responsabilité de protéger », <http://www.operationspaix.net/-Responsabilite-de-protoger->
4. Rapport de la Commission Internationale de l'Intervention et de la Souveraineté des Etats, "La Responsabilité de Protéger", décembre 2001, online at: http://www.operationspaix.net/IMG/pdf/responsabilite_protoger.pdf

